

این دانه قدرت دارد

انجیلی یوحنا ۶، ۳۰ - ۳۵



30 آنها گفتند: «چه معجزه‌ای نشان می‌دهی تا به تو ایمان بیاوریم؟ چه می‌کنی؟ 31 نیاکان ما در بیابان مَنّا را خوردند و چنانکه کتاب مقدّس می‌فرماید: 'او از آسمان به آنها نان عطا فرمود تا بخورند.' 32 عیسی به آنان گفت: «یقین بدانید آن موسی نبود که از آسمان به شما نان داد، بلکه پدر من نان حقیقی را از آسمان به شما عطا می‌کند، 33 زیرا نان خدا آن است که از آسمان نازل شده به جهان حیات می‌بخشد.» 34 او گفتند: «ای آقا، همیشه این نان را به ما بده.» 35 عیسی به آنها گفت: «من نان حیات هستم. هر که نزد من بیاید، هرگز گرسنه نخواهد شد و هر که به من ایمان بیاورد، هرگز تشنه نخواهد گردید.»

۱۱۰۰۰ سال پیش انسان‌ها این را کشف کردند که می‌توانند گندم را نه فقط به همان‌صورت بخورند بلکه می‌توانند آن را آسیاب کنند و با آن نان خوشمزه‌ای بپزند. حتماً سال‌های زیادی هم سپری شده است تا انسان‌ها دریافتند که می‌توان از خمیر مایه برای پخت نان هم استفاده کرد. و یا حتماً هزاران سال هم طول کشیده که انسان‌ها توانستند یاد بگیرند که می‌توان نان‌های مرغوبی را تولید کرد که بالاخره ما می‌توانیم الان از آن لذت ببریم. نان در هر صورت یک معجزه‌ای در هر فرهنگی می‌باشد. حال چه اتفاقی می‌افتاد اگر یک نسلی این تجربیات را به نسل بعدی انتقال نمی‌داد؟ چه اتفاقی می‌افتاد اگر یک نسلی این را می‌گفت که ما دوست نداریم که نسل‌های بعدی از این نان لذت ببرند؟ آدم می‌تواند از چیزهای زیاد دیگری هم مثال بزند ولی نان یکی از مهمترین چیزهای زندگی ما محسوب می‌شود. برای همین عیسی بعدها یک تکه نان را برداشت و آن را زیاد کرد تا همه را سیر کند. او با نگاهی مصمم به آسمان آن نان ناب را از خدای پدر دریافت کرد و به همه بخشید. آن زمانی که عیسی این معجزه را انجام داد همه آن انسان‌ها کاملاً سیر شدند. بطوری که عیسی مابین ما و خداوند قرار گرفت. خدا کسی است که از اول آفرینش به ما غذا داده و مراقب ما بوده است. و در پشت همه آن انسان‌هایی که ما از آنها غذا دریافت می‌کنیم خدا ایستاده است. و عیسی نیز در این میان حضور دارد و به ما دعای پدر آسمانی را اینگونه یاد می‌دهد. به ما نان روزانه را اعطا کن. خداوند بدون دعا هم نان ما را می‌دهد. و زمانی که ما دعا می‌خوانیم این را اعلام می‌کنیم که خیلی از او متشکریم و مدیون او هستیم که او آنقدر به فکر ما می‌باشد. حتی اگر ما به همه چیز دست یابیم باز هم نمی‌توانیم این نان را از قدرت خودمان بدست آوریم. و فقط خدا است که این کار را می‌تواند بکند. ولی این نانی که عیسی به ما می‌دهد می‌خواهد با آن چیز دیگری به ما بگوید. اگر خدا میل دارد که همه این چیزها را به ما عطا کند پس آیا او دوست ندارد که نیازهای خیلی ضروری و عمیق ما را نیز برطرف سازد؟ همان چیزهایی که قلب ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟ خدا چیز بیشتری از یک تکه نان می‌خواهد به ما بدهد. ما باید چیز بیشتری از یک نان دریافت کنیم. ما انسان‌ها به پذیرفته شدن و دور هم جمع شدن و محبت نیاز داریم. ما نیاز داریم که از ما استفاده شود و ارزش پیدا کنیم. ما دقیقاً در همین جا است که در زندگی خودمان شکست خورده ایم و آن رابطه انسانی را از دست داده ایم. این درد خیلی شکاف بزرگی مابین ما انسان‌ها ایجاد کرده است. ما انسان‌ها به محبت نیاز داریم همانطوری که ماهی‌ها به آب و پرندگان به هوا نیاز دارند. این محبت را ما خیلی بی‌تفاوت به آن نگرسته ایم برای همین هم خوشبختی نیز به ندرت در بین ما وجود دارد. خدا فقط نمی‌خواهد که به ما نان بدهد بلکه او می‌خواهد که به ما غذای روح هم بدهد تا ما راحت بتوانیم نفس بکشیم و خوشبخت بشویم. و این محبت را دریافت کنیم و آن را به دیگران بدهیم. این محبت همانند آن نانی است که ما امروز آن را می‌خوریم و فردا آن را فراموش می‌کنیم. محبت خدا آنقدر بزرگ است که ما می‌توانیم از مرگ خودمان نجات پیدا کنیم. این کفایت نمی‌کند که ما زندگی خودمان را همیشه در این دنیا سپری کنیم. و عمر خودمان را هدر بدهیم. ما می‌خواهیم بدانیم که ما یک پدر و یک سرزمین جدید و یک خدایی داریم که بعد از کوچ ما از این دنیا به آنجا می‌رویم. برای همین عیسی این را می‌گوید که: من به شما نانی می‌دهم که دیگر هیچ وقت گشنه نخواهد شد. و یک آبی می‌دهم که دیگر هیچ وقت تشنه نخواهد شد. یوحنا ۴:۳۵ می‌گوید: «من نان حیات هستم. هر که نزد من بیاید، هرگز گرسنه نخواهد شد و هر که به من ایمان بیاورد، هرگز تشنه نخواهد گردید. وقتی که عیسی این را می‌گوید پس آن حقیقت دارد و نانی که ما دریافت می‌کنیم از طرف خدا می‌آید. و این خود

معجزه است برای اینکه عیسی فقط یک داستان قدیمی نمی باشد. و ما می توانیم او را به عنوان یک غذای روحی قبول داشته باشیم. ما هر روز می توانیم در زمانی که به درگاه او دعا می کنیم و با او صحبت می کنیم چیز جدیدی از او بیاموزیم. و او هم به ما محبت خودش را به نوع جدیدی نشان دهد. این عیسی دوست دارد که به نزد ما بیاید و در ما زندگی کند. این یک معجزه بسیار بزرگی بود که عیسی آن زمان نان را در میان قوم اسرائیل زیاد کرد. معجزه بزرگ این می باشد که دقیقا در همین مکان، آن رخ می دهد یعنی جایی که یهودیان حضور داشتند و عیسی می آید. و ما دقیقا هر یکشنبه اینجا حضور داریم تا عیسی نان و خون ناب و زنده خودش را در میان ما و در مراسم نان و شراب قسمت کند. خیلی ها دوست دارند بگویند که این ها همه فقط یک نان و شراب هستند. و یا دیگران می گویند اینها همه یک آیین کهنه مسیحی بیش نمی باشد. ولی این درست نمی باشد. آن نانی که ما هر روز در صبحانه می خوریم همان نان زنده عیسی می باشد که ما می توانیم آن را با خود او مقایسه کنیم. که هر دو از کلام خدا سرچشمه گرفته اند. حال چطور امکان دارد که این سه دانه گندمی که من می خورم از ۱۰۰۰ سال پیش تا الان ادامه داشته است؟ این دانه ها چطور اصلا بوجود آمده اند و اصلا چطور در میان این همه بلایا باقی مانده اند؟ و این همان معجزه است که فقط از خدا می تواند به سوی ما بیاید. او گفت و انجام شد همانطوری که عیسی نان زنده را به ما می دهد. آن زمانی که عیسی آن نان و شراب را برمی دارد و می گوید که این جسم و خون من است، او به آنها ارزش جدیدی می دهد. و این برکت همانطوری که از سال های قدیم وجود داشته مابین ما مسیحیان انجام می شود و ما هم امروزه آن را در مراسم خودمان به همان شکل انجام می دهیم. شاید خیلی ها این را بگویند که این کار همیشگی کلیساها می باشد و آن را همیشه تکرار می کنند. ما نیز می توانیم همین را راجع به نانی که الان می خوریم بگوییم نانی که از ۱۰۰۰ سال پیش بدتر نشده است. ولی شاید این نان بخاطر تبدیل شدنش به غذاهای آماده باعث مریضی و معتادی در ما شده باشد. همچنین این نانی که عیسی به ما می دهد هیچ وقت کهنه نمی شود و فقط اینکه این نان از سال های دور پایه گذاری و ارزش گذاری شده است. هر زمانی که عیسی جسم و خون خودش را به ما می دهد این را باید بدانیم که آن همیشه تازه است و ایمان ما را همیشه قوی می سازد. حال چه کسی می خواهد این نان زنده را داشته باشد؟ مردمان زمان عیسی این نان را نمی خواستند. آنها دوست داشتند که غذای آماده بخورند و چیزی که سریع آن را ببینند و لمس و حس بکنند. آنها دوست داشتند در این دنیا از قدرت و ثروت و شهرت لذت ببرند. خدا می تواند همه این چیزها را انجام بدهد ولی خدا اینکار را انجام نمی دهد. او اینکار را نمیکند زیرا آنها غذای حقیقی برای ما نمی باشند. برای همین این مهم است که ما انسان ها این نان حقیقی را از خدای مان دریافت بکنیم. و آن زمانی که ما این کار را می کنیم ما زندگی جاویدان و بخشش خداوند را دریافت می کنیم. و وقتی که ما این کار را می کنیم به همه این را نشان می دهیم که گذشتگان ما هم چه چیزی برای ما آماده کرده اند. و ما هم نیز به نسل های بعدی این را می گوئیم که چه چیزی برای تغذیه وجود دارد. ما به تمام دنیا نشان می دهیم که عیسی را کجا میتوان پیدا کرد. و او چگونه می تواند در زندگی ما حضور داشته باشد. غذا و نان اصلی را فقط کسی می تواند به ما بدهد که از آسمان آمده باشد. عیسی به ما می گوید: من نان زنده هستم. آمین